



فروریختن دیوار انحصار دانش

در تاریخ فرهنگی بشر از آغاز تاکنون و پس از اختراع خط شاید هیچ رویدادی به اهمیت اختراع صنعت چاپ نباشد.

جام جم آنلاین: در تاریخ فرهنگی بشر از آغاز تاکنون و پس از اختراع خط شاید هیچ رویدادی به اهمیت اختراع صنعت چاپ نباشد. در واقع این اختراع فروریختن دیوارهای انحصار دانش و به قول مارتین لوتر (رهبر اصلاحگر کلیسای مسیحی) رهایی دوم نوع بشر از جهل بود.

اختراع صنعت چاپ در اروپا در نیمه اول قرن 15 صورت گرفت، گرچه فن چاپ توسط چینی‌ها بین سال‌های 712-756 م در بخش وسیعی از سرزمین‌های شرقی به شکل ابتدایی رایج بود.

شایان ذکر است که استنساخ کتب به صورت کنده‌کاری، کاری بس دشوار و با صرف هزینه و وقت زیاد انجام می‌گرفت و بنابر این اشاعه علوم به کندي صورت می‌گرفت.

به هرحال نخستین گام بزرگ در فن چاپ، اختراع حروف متحرک و فلزی توسط گوتنبرگ آلمانی در سال 1450 میلادی برداشته شد که صنعت چاپ را از شکل چوبی به صورت فلزی درآورد.

اختراع با حروف متحرک این امکان را به‌وجود آورد که دروازه‌های تمدن بشری روی همه افراد طالب علم و دانش گشوده شود.

این فن بتدریج از آلمان به فرانسه، هلند، انگلستان، سوئیس و ایتالیا راه یافت و کشور ایران نیز در نیمه اول قرن 13 هجری با این پدیده نوین آشنا شد.

صنعت چاپ از تاسیسات تمدنی مهم و پایه بود که ورود آن به ایران سرآغاز تحول فرهنگی عمده‌ای در کشور ماست که بدون آن، پیشرفت در عرصه‌های آموزشی، فرهنگی و علمی ممکن نبود.

تاریخچه چاپ در ایران

در اصل تاریخ چاپ در ایران به 5 قرن قبل از میلاد یعنی به زمان پادشاهی هخامنشی و به مهرهای سلطنتی می‌رسد.

این مهرها برای تأیید فرامین و احکام پادشاهان ایرانی به وجود آمد و روی نگین انگشتر منقوش می‌شد و آن را به وسیله سنگ‌های عقیق، در، زمرد و یاقوت حک می‌کردند و با مرکب مخصوص روی طومارها، کاغذهای فرامین و احکام می‌زدند. پس از آن اعیان و اشراف درباری و سایر مردم هم از پادشاهان و حاکمان تقلید کردند و هر یک مهرهایی برای خود ساختند و روی کاغذهای معمولی آن دوره می‌زدند.

یکی از مدارک به‌دست آمده در این زمینه مهر داریوش بزرگ، پادشاه هخامنشی است که هم‌اکنون در موزه لندن نگهداری می‌شود. این مهر تصویر و نقش داریوش را در حالی که سوار بر ارابه سلطنتی و در حال شکار شیر است، نشان می‌دهد.

در زیر آن، سه سطر نوشته هم به چشم می‌خورد و ورود واژه چاپ به زبان فارسی را به اواخر قرن 7 هجری قمری و به زمان سلطنت گیخاتو خان پسر اباقا خان (694 - 690) یکی از پادشاهان مغول ایران نسبت می‌دهند.

در عهد پادشاهی وی، کشور دچار بحران مالی و اقتصادی شد و خزانه از زر و سیم تهی ماند. در این زمان شخصی به نام عزالدین محمد بن مظفر بن عمید که قبلاً به کشور چین سفر کرده و از اوضاع آنجا اطلاع کافی داشت، به وزیر وقت صدر جهان زنجانی پیشنهاد کرد به جای زر و سیم مملکت چین نوعی برگه بهادار به نام چاو در مملکت رایج کند تا به‌این وسیله بحران مالی را مرتفع کند که این طرح مورد قبول واقع شد.

به دنبال آن اداره و کارخانه‌ای در شهر برای اشاعه چاو دایر شد که آن را چاوخانه نامیدند. ضمناً بعضی از محققان، منشأ واژه‌های امروز چاپ را مأخوذ از چاو که در هندوستان گاهی چاپ و گاهی چهپ هم نوشته، می‌دانند.

در سال 1207 قمری کشیش مسیحی شاه عباس صفوی را با حروف چاپی فارسی و عربی آشنا ساخت. شاه عباس به موضوع علاقه‌مند شد، گویا از او خواست که چاپ را وارد ایران کند لذا در اواسط قرن 11 در عهد صفویان توسط بازرگانان ایرانی که از ارامنه ساکن آمستردام بودند، این کار انجام گرفت. آنها چاپخانه‌ای را با حروف ارمنی خریداری و وارد جلفای اصفهان کردند.

نظام آموزشی جدید، تأسیس دانشگاه تهران و تشکیل سازمان‌های متعدد و جدید دولتی از جمله عواملی بود که بر توسعه صنعت چاپ در دوره مشروطه تأثیر گذاشته‌م‌زمان با چاپخانه ارامنه، عده‌ای از رجال و سلاطین صفویه نیز به فکر ایجاد چاپخانه با حروف فارسی و عربی افتادند.

چنانکه شاردن، سیاح معروف فرانسوی که در زمان شاه سلیمان صفوی به ایران آمده، در سیاحت‌نامه خود می‌نویسد: ایرانیان اشتیاق وافری دارند که صنایع چاپ در کشورشان پدید آید و به فواید آن کاملاً پی ببرند، معه‌ذا کسی پیدا نمی‌شود که چاپخانه به‌وجود آورد.

برادر وزیر دربار که یک شخص بسیار عالم و مقرب حضور شاهنشاه است، در سال 1087 هجری قمری می‌خواست با من قرار و مداری بگذارد تا کارگرانی به ایران آیند و این فن ظریف را به ایشان بیاموزند.

مشارالیه کتاب‌های عربی و فارسی چاپی را که برایش برده بودم، به نظر اعلی حضرت همایونی رسانید، با پیشنهاد او موافقت حاصل شد ولی وقتی که مساله پرداخت پول آنها به میان آمد، هرچه رشته بود پنبه گشت.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد صنعت چاپ از طریق اروپا به ایران راه یافت و نخستین‌بار در زمان سلطنت فتحعلیشاه و به کوشش عباس میرزا نایب‌السلطنه که مروج علوم دینی و ادبیات محلی بود و عشق سرشار به تواریخ سیر داشت، رواج یافت و مشارالیه از طرف فتحعلیشاه به حکمرانی آذربایجان منصوب شد.

در دوره زمامداری وی، جنگ ایران و روس روی داد. او در اثنای کشمکش و تلاش برای نجات و بازگشت ایالات از دست رفته ماورای رود ارس دریافت که با بقای اوضاع به صورت حاضر و تکیه بر اسباب و وسایل و طرق معمول در جنگ و دفاع سنتی دیگر امیدی به رهایی و رهانیدن نیست و از راه قبول شکل نظام جدید اروپایی و جلب معلم و مشاق و فرمانده و توپچی و توپریز و تفنگ ساز و باروت ساز از انگلیس و فرانسه و تشکیل افواج و تنظیم امور آنها طبق الگوی فرنگی باید کار تازه‌ای آغاز کرد. او بسیاری از علما و ادبا و ارباب ترجمه و تألیف و استادان صنایع فنون را به دور خود جمع کرده و جنبشی در تحول به سوی علوم و دانش نوین پدید آمد.

در مرحله نخست به امر عباس میرزا هم از ایران کسانی برای آموختن فن چاپ و تهیه کردن دستگاه‌ها و ابزارهای چاپ به خارج فرستاده شدند و هم شخصی به نام برجس را که نزد ایرانیان به برجیس شهرت یافت، برای آموزش فن چاپ و تأسیس چاپخانه به ایران دعوت کردند.

میرزا صالح شیرازی نخستین دانشجوی اعزامی به اروپا هنگام تحصیل در انگلستان با فن چاپ آشنا شد و در بازگشت چند دستگاه کوچک چاپ به تبریز آورد که تعدادی از آن بعداً به تهران منتقل شد.

درباره دستگاه‌های چاپی که میرزا صالح شیرازی به ایران آورده است ظاهراً تردیدی نیست و نیز نقش او در انتشار روزنامه در ایران محرز است. در باب این‌که چاپخانه‌ای در تبریز تأسیس کرده باشد تردید هست.

ظاهراً نخستین چاپخانه‌ای که وجود آن را حدود سال 1233 ق. در عصر عباس میرزا مسلم می‌دانند، چاپخانه‌ای است که با حمایت او در تبریز دایر شده و با حروف سربی ریخته‌ای کار می‌کرده است.

رساله آبله‌کوبی نخستین کتاب فارسی است که به نظر صاحب‌نظران در چاپخانه تبریز و با حروف سربی چاپ و منتشر شده است.

در دهه 1250 ق. چند چاپخانه حروفی و سنگی در تبریز، تهران، اصفهان، مشهد، رشت و چند شهر دیگر دایر بود، اما چاپخانه سنگی در تهران رواج بیشتری داشته است. پس از مرگ عباس میرزا و فتحعلیشاه قاجار، نخستین کتاب‌های مصور به زبان فارسی در زمان محمدشاه قاجار چاپ و نشر شده است.

چاپ در ایران عصر ناصریت تحولات تازه‌ای را تجربه کرد. انتشار روزنامه و رواج نسبی روزنامه‌نگاری باعث رونق صنعت چاپ و صنعت چاپ نیز به نوبه خود باعث رشد روزنامه‌نگاری شد و عملاً سرنوشت چاپ نیز به مطبوعات گره خورد، به‌طوری‌که تاریخ چاپ از آن پس از تاریخ مطبوعات غیرقابل تفکیک شد و حکومت‌ها در واقع از راه نظارت مستقیم بر چاپخانه‌ها، مطبوعات را عملاً زیر نظر گرفتند و هر

تصميمي که درباره مطبوعات گرفته شد، نتيجه آن بي‌درنگ در چاپخانه‌ها محسوس شد و در همان دوره ناصري، هيات‌هاي تبليغي مسيحي خارجي مقيم ايران چاپخانه‌هايي را تاسيس کردند و آثاري را به چاپ رساندند.

تاسيس مدرسه دارالفنون و نياز به نشر منابع درسي سبب شد که کارگاهي مخصوص اين کار داي‌ر شود.

دارالطباعه خاصه علميه مبارکه دارالفنون تهران در سال 1268 ق. زير نظر عليقلي‌ميرزا اعتضادالسلطنه تاسيس شد و حدود 40 عنوان کتاب درسي چاپ کرد.

در دوره مظفرالدين شاه قاجار که مردم ايران انقلاب مشروطه را تجربه کرد، تحولات تازه‌اي در صنعت چاپ ايجاد شد و تأثير آثار چاپي بر آگاهي سياسي و فرهنگي جامعه و تحركات اجتماعي به مرحله‌اي رسيد که در تاريخ ايران بي‌سابقه بود.

در دوره محمدعلي شاه به دليل حاکميت اختناق و استبداد استفاده از چاپخانه‌هاي سربي اختصاصي و غيردولتي تا حدودي جاي چاپخانه‌هاي سنگي دولتي را گرفت.

در سال‌هاي پاياني حکومت قاجاريه به دليل وقوع جنگ جهاني اول و ناامني و هرج و مرج تحول قابل ذکري در زمينه صنعت چاپ رخ نداد.

پس از سقوط سلسله قاجاريه و استقرار صلح و ثبات نسبي در ايران، دوره تازه‌اي در فعاليت‌هاي چاپي آغاز شد. نظام آموزشي جديد، تاسيس دانشگاه تهران و تشکيل سازمان‌هاي متعدد و جديد دولتي از جمله عواملی بود که بر توسعه صنعت چاپ در اين دوره تأثير گذاشت.

دوره پهلوي اول ميان دو جنگ جهاني و مقارن با دوره‌اي از تحولات جهاني در فناوري چاپ است اما به لحاظ اين که در اين عصر نظارت دولتي ايران در همه زمينه‌ها، بويژه بر صنعت چاپ که از انتشار کتاب و مطبوعات جدايي نداشته، برقرار بوده است و نظارت بر امور صنعت چاپ در دامنه شمول تفتيش شديد حکومتي قرار مي‌گرفته، رشد چاپ در ايران فقط در مسير سياست‌هاي دولتي ممکن بود. بنا به برآوردي آماري، پيش از سال 1300 ش. در سراسر کشور حدود 40 چاپخانه وجود داشته است.

سال‌هاي منتهي به انقلاب اسلامي در دهه 1350 ش. چندين موسسه انتشاراتي جديد وارد صحنه شدند و براي چاپ کتاب‌هاي ديگر، دستگاه چاپي تازه‌اي وارد کردند و به راه انداختند. ماشين‌هاي جديد و مجهز لايوترون، که انتشارات سروش و چاپخانه‌هاي روزنامه کيهان و اطلاعات خريدند و وارد کردند، از آن جمله است.

در جريان مبارزات مردم عليه رژيم پهلوي، چاپخانه‌ها يکي از مهم‌ترين کانون‌ها برضد رژيم پهلوي بويژه در سال‌هاي 1356 تا 1357 ش. بودند.

منابع:

1- محبوبي اردکاني، حسين، تاريخ مؤسسات تمدني جديد در ايران، تهران، انجمن دانشجويان دانشگاه تهران، 1354.2- گلپايگاني، حسين تاريخ چاپ و چاپخانه در ايران، ماهنامه صنعت چاپ، شماره 110، آذر سال 1370.3- محيط طباطبائي، محمد، تاريخ تحليلي مطبوعات ايران، تهران، بعثت، 1375.4- بابازاده، شهلا، تاريخ چاپ در ايران، تهران، کتابخانه طهوري، 1378.5- کریميان، علي - ميرزائي‌پري، زهرا، ته نقش‌هاي اسناد آرشيوي ايران، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه‌اي ملي ايران، 1388.6- صافي، قاسم، از چاپخانه تا کتابخانه مراحل کتاب‌نويسي، چاپ‌سپاري، کتابداري و کتابخواني، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1381.7- آذرنگ، عبدالحسين، مباني نشر کتاب، تهران، سازمان مطالعه و تدوين کتب علوم انساني دانشگاه‌ها (سمت)، 1381.8- قاسمي، فريد، تاريخ روزنامه‌نگاري ايران (مجموعه مقالات)، جلد 1، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، 1379.9- پروين، ناصرالدين، تاريخ روزنامه‌نگاري ايرانيان و ديگر پارسي‌نويسان، جلد 1، تهران، مرکز نشر دانشگاهي، 1377.

مهدي داوودي